سخنگوی دستگاه قضا در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره پرونده برادر رئیس‌جمهور

مجاز به بیان جزئیات پرونده فریدون نیستم

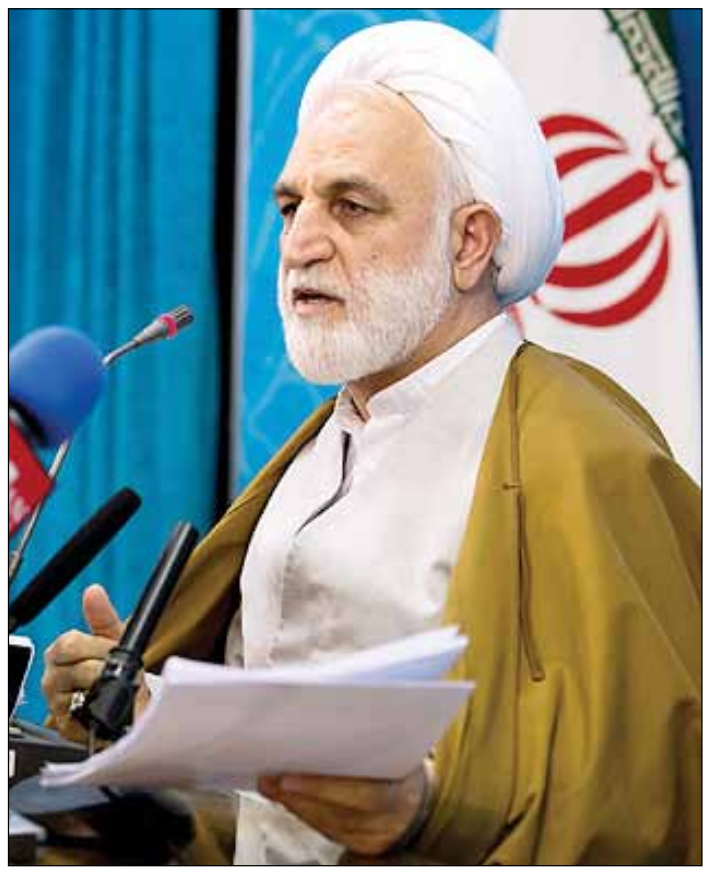

گروه سیاسی: سخنگوی قوه‌قضائیه جزئیات ویژه‌ای را از پرونده بابک زنجانی و روند رسیدگی به آن در دستگاه قضا و دولت تشریح کرد. او دیروز خلاصه‌ای از ۱۵۰ جلد پرونده و قرار مجرمیت هزار و چند صفحه‌ای بابک زنجانی را برای خبرنگاران روایت کرد؛ روایتی که البته پس از ۳ سال هنوز به نقطه پایانی خود نرسیده و سوالات و ابهامات بیشماری را درباره آنچه بابک زنجانی بر سر پول‌های نفت آورده است، پیش پای قوه‌قضائیه قرار داده است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین غلامحسین‌محسنی‌اژه‌ای دیروز گفت نخستین سرنخ‌ها از پرونده بابک زنجانی در سال ۹۱ و توسط واحد ضدپولشویی وزارت اقتصاد دولت دهم به دست می‌آید و پس از آن وزارت نفت برای پس گرفتن محموله‌های نفتی با بابک زنجانی وارد مذاکره می‌شود اما این گفت‌وگوها راه به جایی نمی‌برد تا اینکه وزارت نفت تقاضای ممنوع‌الخروجی وی را می‌کند. به گفته معاون اول قوه‌قضائیه بازپرس پرونده زنجانی به نامه ۳۰ آذرماه ۹۲ وی به بازپرس دادسرا درباره واریز ۲ میلیارد و ۴۶۰ میلیون یورو و بدهی‌اش مشکوک و همین مساله سرآغاز استعلام از نهادهای اطلاعاتی و امنیتی می‌شود. نتیجه این استعلامات نشان می‌دهد بابک زنجانی به دلیل داشتن چک برگشتی ۲ سال و به دلیل جرم دیگری ۳ ماه سابقه زندان داشته است. به گفته سخنگوی دستگاه قضا دادستان تهران در یک سال با وزارت نفت، اطلاعات و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط بیش از ۳۰ جلسه برای ردیابی اموال زنجانی برگزار می‌کند و نتیجه آن شناسایی بخشی از اموالی می‌شود که بابک زنجانی به نام اشخاص دیگر در داخل و خارج کشور کرده بود. سخنگوی دستگاه قضا، سرمایه‌گذاری در بانک‌ها و کشورهای خارجی را یکی از مشکلات اصلی در ردیابی اموال زنجانی دانست و بر همین اساس از وزارت امور خارجه خواست با دیپلماسی فعال در این زمینه دستگاه قضا را یاری کند. معاون اول قوه‌قضائیه البته در کنار پرونده بابک زنجانی به چند پرونده پرحاشیه دیگر دستگاه قضا همچون فساد صندوق ذخیره فرهنگیان، بانک سرمایه و پرونده حسین فریدون، برادر حسن روحانی اشاره کرد و گفت پرونده حسین فریدون هنوز در مراحل ابتدایی و رسیدگی است و مجاز به بیان جزئیات آن نیستم و باید ببینیم چه اقداماتی درباره این پرونده صورت گرفته است. حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌اژه‌ای سخنگوی دستگاه قضا، دیروز یکشنبه در یکصدوششمین نشست خبری خود با رسانه‌ها اظهار داشت: قوه‌قضائیه مصمم به برخورد با هرگونه فساد اعم از اقتصادی و غیراقتصادی است بویژه در حوزه فساد اقتصادی. وی افزود: در مبارزه با فساد اینکه اتهام متوجه چه کسی، چه نهادی و جریانی باشد مهم نیست و بررسی خواهد شد. اینکه اتهام مربوط به این دولت یا دولت سابق باشد برای قوه‌قضائیه تفاوتی ندارد.

■ **پرونده بابک زنجانی در دولت سابق اتفاق افتاد**

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای درباره پرونده بابک زنجانی اظهار داشت: در زمانی کوتاه نمی‌توان درباره پرونده‌ای که الان به ۱۵۰ جلد رسیده و قرار مجرمیتی یکهزار و چند صفحه‌ای دارد صحبت کرد. وی افزود: این پرونده در دولت سابق اتفاق افتاده و در همان دولت نیز شروع شده است. حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای گفت: اواخر سال ۹۱ واحد ضدپولشویی وزارت اقتصاد و دارایی متوجه می‌شود شرکت استیویکنز کیش گردش مالی بالا و مشکوکی دارد و این واحد این موضوع را به عنوان اقدامی مشکوک مورد بررسی قرار می‌دهد و مشخص می‌شود پول‌هایی را که این شرکت دریافت کرده است برنگردانده و سایر اقدامات نیز اتفاق افتاده است. وی افزود: در همان دولت در اواخر سال ۹۱ و چند ماه اول سال ۹۲ شرکت نفت، شرکت نیکو و اداره حقوقی وزارت نفت که متوجه می‌شوند پولشان بازنگشته است و بابت آنچه فروش رفته، پرداختی به آنها صورت نگرفته است، با بابک زنجانی وارد صحبت می‌شوند. وی یادآور شد: جلسات تا مرداد ۹۲ ادامه پیدا می‌کند و در آن ماه به توافق می‌رسند و بابک زنجانی چکی به مبلغ ۲ میلیارد یورو و اسنادی را بابت تضمین بدهی خود به شرکت نفت می‌دهد. پس از ارائه چک و اسناد به وزارت نفت، بابک زنجانی اعلام کرد اگر چنانچه بنده بدهکار بودم چک‌ها را وصول کنید. وی ادامه داد: مسؤولان وقت شرکت نفت نیز احساس کردند وعده و وعیدهای داده شده انجام نمی‌شود و از این باب در ۲۳ مهرماه سال ۹۲ اداره حقوقی وزارت نفت با نامه‌ای که به دادگستری می‌نویسد، درخواست ممنوع‌الخروجی این فرد را می‌کند و تا آن موقع شکایت کیفری از سوی اداره کل حقوقی وزارت نفت انجام نشده بود. اژه‌ای افزود: طلب آن موقع بابک زنجانی ۲ میلیارد و ۶۶ میلیون و ۷۵۱ هزار و ۲ یورو اعلام می‌شود و زمانی که بابک زنجانی از این موضوع مطلع شده بود، در تاریخ ۳۰ آذر ۹۲ خطاب به مدیرعامل وقت شرکت نیکو می‌نویسد ۲ میلیارد و ۴۶۰ میلیون یورو در حساب آنها وجود دارد و نسبت به برداشت آن پول می‌توانند اقدام کنند. سخنگوی قوه‌قضائیه افزود: در تاریخ ۳۰ آذر ماه بود که بابک زنجانی نامه‌ای به بازپرس دادسرا نوشت و در این نامه اظهار کرد مبلغ ۲ میلیارد و ۴۶۰ میلیون یورو را به بانک واریز کردم. وی خاطرنشان کرد: دی‌ماه ۹۲ بازپرس پرونده در رابطه با این ادعا مشکوک شده و شروع به تحقیق نسبت به اینکه مبلغ سنگین است می‌کند. اژه‌ای ادامه داد: بازپرس پرونده از بانک مرکزی در رابطه با ادعای بابک زنجانی مبنی بر واریز ۲ میلیارد و ۴۶۰ میلیون یورو می‌پرسد که آیا این پول واریز شده یا خیر که بانک مرکزی اعلام می‌کند این مقدار پول توسط بابک زنجانی واریز نشده است. سخنگوی قوه‌قضائیه مطرح کرد: بر همین اساس بازپرس پرونده از دستگاه‌های مختلف استعلام می‌گیرد و خواستار پیگیری سوابق بابک زنجانی می‌شود که در همین بررسی‌ها متوجه می‌شود در چند سال گذشته بابک زنجانی به دلیل چک برگشتی ۲ سال زندان بوده و به دلیل جرم دیگری ۳ ماه بازداشت بوده است.

اژه‌ای ادامه داد: دادستان تهران حدود یک‌سال بیش از ۳۰ جلسه با نمایندگان نفت، وزارت اطلاعات و بخش‌های مختلف برگزار کرد و از همه بخش‌ها خواست اموال را شناسایی و ردیابی کنند.

وی با بیان اینکه بیش از ۳۰ جلسه فرعی جهت ردیابی اموال تشکیل می‌شود، گفت: در اثنای کار همکاران متوجه می‌شوند اموالی که زنجانی دارد عمدتاً به نام خودش نیست بلکه به نام بستگان یا دیگران است، بنابراین مشکل بیشتر و ردیابی این اموال در خارج از کشور مشکل‌تر می‌شود.

اژه‌ای ادامه داد: تقسیم کاری صورت می‌گیرد که وزارت اطلاعات موظف می‌شود اموال داخل و خارج از کشور را ردیابی کند و سازمان بازرسی کل کشور نیز مسؤول ردیابی اموال در داخل می‌شود.

وی با تاکید بر اینکه دستگاه‌های مختلف از جمله دادستانی زحمات زیادی کشیده‌اند، گفت: یک موضوع متهمان هستند و موضوع دیگر افرادی هستند که در تخلفات صورت گرفته نقش دارند.

سخنگوی قوه‌قضائیه گفت: چه کسانی در تحویل دادن ۱۰ تا ۱۱ محموله نفتی دست دارند که همه پول آن محموله‌ها نیز هنوز برنگشته است؟ ۶۰ میلیون یورو بابت حواله‌ها پرداخت شده و چه کسانی سبب شده‌اند این محموله‌ها فروخته شود و پول آن بازنگردد؟ چه کسی این فرد (بابک زنجانی) را معرفی کرده است. اژه‌ای گفت: چه کسانی در این بین مقصر هستند؟ بازپرس این پرونده بررسی‌های بسیاری انجام داد و مدیرعامل شرکت نیکو را بازداشت کرد و افراد دیگری نیز مورد بازجویی قرار گرفتند. وی افزود: در پرونده بابک زنجانی ۴ وزیر سابق مورد سوال جدی بازپرس قرار گرفتند. از رئیس بانک مرکزی تحقیق شد و ۳۰ مدیر در رده‌های مختلف و در دستگاه‌های مختلف بازجویی شدند و سرجمع ۱۲نفر را بازداشت کردیم. معاون اول قوه‌قضائیه ادامه داد: همچنین رئیس بانک مرکزی و بیش از ۳۰ مدیر از دستگاه‌های مختلف مورد تحقیق قرار گرفتند که در راستای این تحقیقات ۱۲ مدیر بازداشت شدند و افرادی هم که به آنها اتهام وارد شده، اتهام‌شان در دست بررسی است و با قرار وثیقه آزادند. وی در رابطه با مرتبطان پرونده بابک زنجانی بیان کرد: بازپرس پرونده بابک زنجانی از هفته گذشته تاکنون بیش از ۲۰۰ نفر را به عنوان مرتبطان این پرونده مشخص کرده که برخی به عنوان متهم و برخی نیز به عنوان مرتبط این پرونده و بدون اینکه اتهام‌شان اثبات شود توسط دستگاه قضایی در حال پیگیری هستند.سخنگوی قوه‌قضائیه اذعان کرد: ما عنایت داریم در مرحله اول به کل مبلغ این پرونده برسیم اما هنوز به کل مبلغ نرسیده‌ایم و جای یک مبلغ در این پرونده خالی است و این مبلغی که اخیراً شناسایی شده تکافوی وزارت نفت را نمی‌دهد. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای با اشاره به همکاری دستگاه‌ها در این پرونده ادامه داد: پول‌هایی که در بانک‌های خارجی قرار گرفته است، باید وزارت امور خارجه همکاری بیشتری داشته باشد و در این زمینه نیازمند یک دیپلماسی فعال هستیم که با بانکی که بابک زنجانی مدعی شده است وارد مذاکره شوند و در این خصوص دیپلماسی لازم از سوی دولت صورت بگیرد. اژه‌ای افزود: البته از همکاری‌های وزارت امور خارجه با قوه‌قضائیه تشکر می‌کنم ولی فقط نباید سرویس و اتاق در اختیار قرار دهند، بلکه ما نیازمند دیگر هماهنگی‌ها و دیپلماسی فعال در این باره هستیم.

■ **بازداشت ۳ متهم در ماجرای صندوق فرهنگیان**

اژه‌ای گفت: در ماجرای صندوق ذخیره فرهنگیان و بانک سرمایه که این دو مجموعه مرتبط هستند، ۳ نفر اخیرا بازداشت شده‌اند که تنها یک نفر هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان معوقه بانکی دارد. حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای ادامه داد: چرا باید معوقات بانکی تکرار شود، چه کسی مسبب ایجاد این معوقات است و با چه کسی باید برخورد شود؟ اینکه ۱۳۵۰ میلیارد تومان فقط برای یک نفر و در یک بانک باشد چطور اتفاق افتاده است. البته بانک اعلام کرده این پول در جایی که لازم بوده خرج نشده است. وی افزود: ۲ نفر دیگر که در رابطه با پرونده صندوق ذخیره فرهنگیان بازداشت شدند هزار میلیارد تومان و ۶۰۰ میلیارد تومان معوقه بانکی دارند. این معوقات برای ۱۰ سال پیش نبوده و جدید اتفاق افتاده است. معاون اول قوه‌قضائیه افزود: البته بخشی از ایجاد این مشکلات نیز مربوط به تحریم‌ها می‌شود و البته هنوز که هنوز است تحریم‌ها را برنداشته‌اند و سیستم بانکی ما نمی‌تواند مبادلات ارزی داشته باشد.

■ **دلیل هجمه به دستگاه قضا**

محسنی‌اژه‌ای در پاسخ به پرسشی مبنی بر خط هجمه به دستگاه قضا توسط ضدانقلاب‌های خارج‌نشین نیز اظهار داشت: ضدانقلاب‌های خارج‌نشین نزدیک انتخابات اقدامات بیشتری انجام می‌دهند و سعی دارند آدرس غلط به مردم بدهند، بنابراین قوه‌قضائیه هوشیار است و در مبارزه با فساد مصمم است و تحت تأثیر سرویس‌های خارجی و دنباله‌های آنها در داخل کشور قرار نمی‌گیرد و با جرم صورت‌گرفته براساس قانون برخورد خواهد کرد.

■ **پرونده حسین فریدون**

طی چند هفته گذشته رسیدگی به اتهامات حسین فریدون برادر رئیس جمهور به یکی از مطالبات اصلی افکار عمومی تبدیل شده است. دیروز یکی از سوالات خبرنگاران از اژه‌ای درباره همین موضوع بود.سخنگوی قوه‌قضائیه درباره پرونده برادر رئیس‌جمهور اظهار داشت: این پرونده هنوز در مقطع ابتدایی و رسیدگی است و مجاز به بیان جزئیات آن نیستم و باید ببینیم چه اقداماتی درباره این پرونده صورت گرفته است.

■ **فردی در رابطه با فیش‌های نجومی بازداشت نشده است**

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای به مساله فیش‌های نجومی نیز اشاره‌ای داشت. وی گفت: هنوز در رابطه با فیش‌های نجومی کسی بازداشت نشده و کیفرخواستی نیز صادر نشده است. وی افزود: افرادی که این وجوه را دریافت کرده‌اند، متخلف هستند و ممکن است همراه با پول دریافت‌شده، تخلفی هم صورت گرفته باشد، بنابراین جرمی اتفاق افتاده است. سخنگوی دستگاه قضا درباره اینکه آیا صفدر حسینی نیز درباره فیش‌های نجومی احضار شده است، گفت: بله! اما اینکه تحت چه عنوانی بوده یعنی دعوت یا احضار اطلاع ندارم.

■ **نوبخت شاید بی‌خبر باشد**

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران مبنی بر اینکه سه‌شنبه گذشته نوبخت، سخنگوی دولت در کمیسیون اصل ۹۰ مصاحبه‌ای با حضور اصحاب رسانه انجام داد که در این مصاحبه از سوی خبرنگاران مطرح شد رسانه‌های خارجی اخیراً عنوان کرده‌اند بابک زنجانی در انتخابات ریاست جمهوری مبالغی را خرج کرده است که در همین راستا نظر نوبخت را جویا شدیم اما وی سکوت کرد و در این باره صحبتی نکرد، از طرفی در مصاحبه‌ای با کدخدایی بار دیگر این مطلب را بیان کردیم اما او نیز گفت من در جریان این موضوع نیستم و بیان کرد اگر کسی در ۴ سال اول ریاست جمهوری خود انتخاب شد قرار نیست در ۴ سال دوم نیز انتخاب شود چرا که ممکن است در این ۴ سال جرمی مرتکب شود، نظر شما در این باره چیست، گفت: نوبخت سخنگوی دولت است و شاید از این موارد خبر نداشته باشد. اژه‌ای اظهار کرد: به طور کلی در انتخابات پول‌هایی خرج می‌شود که براساس قانون انتخابات نیز که سیاست‌های آن ابلاغ شده مردم انتظار دارند هزینه‌های انتخابات شفاف‌سازی شود. وی ادامه داد: آنچه مسلم است اینکه بسیاری از افراد و رئیس‌جمهور پولی از خودشان ندارند و باید با همکاری فردی این کار را انجام دهند اما صرفاً همگی این هزینه‌ها خلاف نیست اما مواردی که به دستگاه قضایی ابلاغ شود به طور جدی پیگیری می‌شود.

اسلام چگونه اروپا را ساخت؟

رابرت دی کاپلان*: اروپا را اساساً اسلام تعریف کرده است. اکنون نیز اسلام آن را بازتعریف می‌کند. اوایل و اواسط دوران باستان به‌مدت چند قرن، اروپا به دنیای اطراف مدیترانه معنا می‌داد؛ مدیترانه یا همان‌طور که رومی‌ها بخوبی آن را نامیده‌اند: «ماره نوستروم» که یعنی دریای ما. این حوزه شامل شمال آفریقا نیز بود. در واقع در اوایل قرن پنجم پس از میلاد، زمانی که «سنت آگوستین» در جایی زندگی می‌کرد که امروز «الجزایر» نام دارد، شمال آفریقا به‌اندازه ایتالیا و یونان مرکز مسیحیت بود اما پیشرفت سریع اسلام در شمال آفریقا در قرن هفتم و هشتم عملاً مسیحیت را در آنجا از میان برد، بنابراین حوزه مدیترانه به ۲ بخش تمدنی تقسیم شد. «دریای میانه» نیز بین این ۲ بخش قرار گرفت که به‌جای اینکه عاملی وحدت‌بخش باشد، مرزی مستحکم بین آنها بود. از آن پس به‌قول «خوزه اورتگا گاست» فیلسوف اسپانیایی، «تمام تاریخ اروپایی‌ها مهاجرتی عظیم به سمت شمال بود».

پس از فروپاشی امپراتوری روم، مهاجرت به‌سوی شمال منجر به این شد که اقوام ژرمن، یعنی گات‌ها، وندال‌ها، فرانک‌ها و لومپاردها با بازیابی میراث یونانی و رومی، مقدمات تمدن غربی را پایه‌ریزی کنند. قرن‌ها طول کشید تا نظام حکومتی اروپای مدرن پیشرفت کند. فئودالیسم که نظام داد و ستدش مبتنی بر رضایت طرفین بود و به این ترتیب در مسیر فردگرایی و برخلاف مطلق‌گرایی عمل می‌کرد، به‌آرامی جای خود را به امپراتوری‌های مدرن اولیه داد. بعدها با گذشت زمان، ناسیونالیسم و دمکراسی جایگزین امپراتوری‌ها شد. در طول این مسیر، آزادی‌های جدیدی که ایجاد شده بود، به روشنگری مجال بروز داد. به‌طور خلاصه «غرب» در شمال اروپا پدید آمد، اگرچه به‌نحوی بسیار کند و پیچیده و نیز عمدتاً پس از آنکه اسلام حوزه مدیترانه را به ۲ بخش تقسیم کرد. با این حال نقش اسلام چیزی فراتر از تعیین حد و مرز جغرافیایی اروپا بود. دنیس هی، مورخ انگلیسی در کتاب درخشان اما ناشناخته‌اش به نام «اروپا؛ زایش یک فکر» (۱۹۵۷) شرح داده است که یکپارچگی اروپا با شکل‌گیری فهمی از جهان مسیحیت در «تقابل اجتناب‌ناپذیر» با اسلام آغاز شد. شعر حماسی «سرود رولان» که بر اساس نبرد رونسوو در زمان سلطنت شارلمانی سروده شد، بخوبی نمایانگر این فهم است. این فهم در نهایت به جنگ‌های صلیبی منجر شد. «ادوارد سعید» محقق و اندیشمند این حوزه، مطلب فوق را روشن‌تر می‌کند. او در کتاب خود «شرق‌شناسی» (۱۹۷۸) می‌نویسد: «اسلام طرف مقابل اروپا را به او نشان داد و با این کار اروپا را از نظر فرهنگی تعریف کرد.» به بیان دیگر هویت واقعی اروپا تا حد قابل توجهی در حس برتری بر جهان مسلمان عرب ساخته شد که در مرز اروپا قرار داشت. امپریالیسم عالی‌ترین نمود این تطور را نشان داد؛ اروپای مدرن با غلبه ناپلئون بر آسیای میانه آغاز شد. او نمایندگان سیاسی و محققانی را به سرزمین‌های اسلامی اعزام کرد. آنها موظف به تحقیق درباره تمدن اسلامی و صورت‌بندی آن به‌عنوان امری زیبا، جذاب و مهم‌تر از همه، درجه ۲ بودند. در دوره پسااستعماری، حکومت‌های خودکامه جدید در شمال آفریقا و آسیا باعث تقویت حس برتری فرهنگی اروپایی‌ها شدند. حکومت‌های دیکتاتوری، ملت‌های خود را داخل مرزهای مستحکم‌شان زندانی می‌کردند. این مرزها را نمایندگان اروپا در کشورهای مستعمره‌شان به‌طور ساختگی کشیده بودند. با وجود چنین حکومت‌هایی، اروپایی‌ها می‌توانستند درباره حقوق بشر برای اعراب نطق کنند؛ بدون اینکه نگران تجربه‌های دموکراتیکی باشند که می‌تواند منجر به مهاجرت گسترده آنها شود و همه چیز را به هم بریزد. درست به این دلیل که اعراب حقوق بشر نداشتند، اروپایی‌ها در برابر آنها حس اعتماد به نفس و برتری داشتند. اسلام اکنون به از بین بردن چیزی کمک می‌کند که روزگاری کمک کرده بود ایجاد شود. وضعیت قدیم دوباره دارد ایجاد می‌شود، چراکه تروریسم و مهاجرت انسانی باعث پیوند شمال آفریقا و آسیا با اروپا می‌شود. البته اروپا در گذشته سایر گروه‌ها را در خود هضم کرده بود. سیل جمعیتی برآمده از شرق به‌نحو چشمگیری اروپا را متأثر کرد. در قرون وسطا تعداد بسیار زیادی از اسلاوها و مجارها از اعماق اوراسیا به اروپای مرکزی و شرقی مهاجرت کردند اما این اقوام، مسیحی شدند و بعدها جوامعی مانند لهستان در شمال و بلغارستان در جنوب را تشکیل دادند و هرچند با خونریزی، توانستند درون نظام حکومتی اروپایی‌ها جاگیر شوند. اروپایی‌ها برای جلوگیری از مهاجرت‌های فعلی تمهیدات بیشتری می‌اندیشند؛ مشابه اقداماتشان برای کارگران خارجی الجزایری که به فرانسه مهاجرت کرده بودند و کارگران خارجی ترک و کرد که در طول جنگ سرد به آلمان مهاجرت کرده بودند. امروز صدها هزار مسلمان امنیت اجتماعی شکننده اروپا را تهدید می‌کنند؛ مسلمانانی که تمایلی به مسیحی شدن ندارند و به آرامی وارد آن دسته از کشورهای اروپایی می‌شوند که دچار رکود اقتصادی هستند. هرچند نخبگان اروپایی برای دهه‌ها خطابه‌های آرمان‌گرایانه‌ای برای انکار فشارهای دینی و قومیتی می‌کردند اما همان فشارها بود که انسجام درونی دولت‌های اروپایی را به ایشان ارزانی کرد. در این میان مهاجرت‌های جدیدی که بر اثر جنگ و سقوط دولت‌ها ایجاد می‌شود، تمایز بین امپراتوری‌ها و مستعمرات سابق‌شان را از میان برمی‌دارد. همان‌گونه که ادوارد سعید حدس زده بود، در دنیای تعاملات جهان‌وطنی و پژوهش‌های تطبیقی، شرق‌شناسی از میان می‌رود، چراکه برای تسلط فرهنگی بر فرهنگ دیگر شکل گرفته بود. اروپا در واکنش به این تحولات، هویت‌های بومی-فرهنگی خود را به‌شکل تصنعی در تفکرات راست و چپ افراطی بازسازی کرده است تا بتواند با تهدیدات آن تمدنی مقابله کند که پیش‌تر بر آن تسلط داشته است. اگرچه ایده پایان تاریخ با تمام مباحث سرزمینی و قومیتی‌اش، نوعی خیال‌پردازی از آب درآمده است، تحقق این واقعیت عذر مناسبی برای بازگشت به ناسیونالیسم نیست. یکپارچگی فرهنگی‌ای که اروپا در مواجهه با سیل پناهندگان مسلمان به آن نیاز دارد، در دنیای تعاملات فزاینده انسانی امروز به‌کلی ناممکن است. «غرب» اگر فراتر از جغرافیا معنایی داشته باشد، روح لیبرالیسمی فراگیر را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در قرن ۱۹ بازگشتی به فئودالیسم وجود نداشت، امروز هم بازگشتی به ناسیونالیسم نخواهد بود؛ حداقل نه بدون ایجاد یک فاجعه، همان‌گونه که روشن‌فکر بزرگ روس «الکساندر هرتسن» گفته: «تاریخ به عقب برنمی‌گردد... هرگونه بازگشت به وضع قبلی یا تجدید آن همواره فریب و تظاهر بوده است.» بنابراین این پرسش مطرح می‌شود: چه چیز در جایگاه تمدنی جایگزین روم می‌شود؟ این از آن رو است که هرچند امپراتوری معایب خود را داشته (چنانکه ادوارد سعید برای اثباتش مستنداتی می‌آورد) اما قدرت آن در حکمرانی بر سرزمین‌های وسیع و اقوام گوناگون اطراف مدیترانه راه‌حلی بوده که دیگر وجود ندارد. اکنون اروپا باید راه‌های دیگری برای متحد کردن فعالانه جهان اسلام با خود بیابد، البته بدون ضعیف ساختن علاقه آنها به نظام حکومتی قانون‌بنیان که در شمال اروپا به وجود آمده است. منظور نظامی است که در آن، حقوق و عمل فرد، درجه اول اهمیت را دارد. اگر جهان اسلام نتواند منطبق با ارزش‌های جهانی پیش برود، تنها جنون ایدئولوژی یا ناسیونالیسم ناپخته است که می‌تواند این خلأ را پر کند. این می‌تواند نشانه پایان «غرب» در اروپا باشد.

* **رابرت دی کاپلان (Robert D. Kaplan) همکار سردبیر در سایت آتلانتیک و عضو ارشد مرکز امنیت نوین آمریکایی**

منبع: آتلانتیک

ترجمه: سوده هرمزان/ ترجمان

تاریخ مشروطه

■ دکتر موسی نجفی ■

... و چنانچه از زاویه تجدد خواهی به مساله نگاه کنیم، شاید بتوانیم ۳ گرایش را در این زمینه دسته‌بندی نماییم:

۱- گرایش تجددطلب غربگرای وابسته به سفارتخانه‌ها و جریان‌های رسمی وابسته به غرب شامل فراماسونرها، انجمن‌های سری و احزاب و مطبوعات و کتب کاملاً وابسته به اجانب و دولت‌های خارجی. به‌نظر می‌رسد این گروه در مشروطه، کم‌تعداد ولی بسیار پرهیاهو بوده‌اند.

۲- گرایش تجددطلب شیفته غرب و خواهان رفع عقب‌ماندگی و طالب پیشرفت و آزادی و نافی استبداد که به قول معروف، افراد آن سر در آخور اجنبی نداشتند و حتی از سر صدق و صفا و پاکی طینت، خواهان عظمت و رشد کشورمان بودند ولی بی‌تجربگی و سطحی‌نگری به فرهنگ و تمدن و تفکر غربی باعث شده بود مروج و سینه‌چاک آن باشند. به‌نظر می‌رسد ابعاد و نفوذ این طیف در مشروطه، بیشتر از قشر و طیف اول بوده است. و اما این مطلب را که سرنوشت و کارنامه سیاسی آنان در نهایت به کجاانجامید، می‌توان در دهه‌های دوم و سوم مشروطه جست‌وجو کرد. در این‌باره، سرنوشت فکری و سیاسی آنان یکسان نبوده است. داستان طلوع پهلوی در آغاز سومین دهه مشروطیت، بسیاری از چهره‌ها، نیت‌ها و اهداف را آشکار ساخت.

۳- گرایش تجددطلب با گرایش مذهبی. به‌نظر می‌رسد افراد آن از ۲ قشر و گروه قبلی بیشتر و پرنفوذتر بوده باشند و به نحوی می‌خواسته‌اند بین ۲ مساله یعنی تجدد غرب و تمدن و فرهنگ اسلامی آشتی یا تفاهم برقرار سازند یا به ملغمه‌ای از پیشرفت مورد نظر در ۲ فرهنگ برسند. با گذشت زمان، گروهی از این طیف، جذب طیف‌های دیگر شدند؛ گروهی سکوت پیشه کرده و به قول خودشان از- فتنه مشروطیت- ابراز پشیمانی و ندامت کردند؛ و گروهی کوشیدند در عمق مساله غور کنند، تا شاید به راه‌حل مناسبی دست یابند. شاید بتوان طرح حکومت قدر مقدور و دفع افسد به فاسد و تحدید ظلم و... را در این راستا تحلیل و تبیین کرد. اما نکته مهم که همچنان برای لااقل ۲ گروه اول و حتی برخی از طیف سوم مبهم باقی ماند، مساله شناخت اساسی از ذات استعمار و حتی ماهیت و عمق تفکر غربی بود. در این‌باره نیز هر چه به‌طرف مساله شناخت و ذات فرهنگ غربی پیش برویم، به افراد کمتر و معدودتری بر می‌خوریم؛ زیرا اگرچه در این نکته که ذات رفتار استعمار غرب در برابر مشرق‌زمین و ملل اسلامی سلطه‌گرانه و آمرانه است، کمتر کسی تردید روا می‌داشت ولی کمتر کسی به سراغ ماهیت فرهنگ و تمدن و فلسفه غربی می‌رفت. در دوران مشروطیت و حتی در دوران بعد از انقلاب اسلامی کسانی که به نحوی استعمار سیاسی و سلطه غربی را محکوم و مطرود می‌کردند، بسیار بودند ولی گاه می‌شد که همین افراد در جبهه فکری و فرهنگی غرب می‌شدند. این نکته ما را به این واقعیت رهنمون می‌شود که ماهیت غرب به‌طور اخص و ماهیت استعمار به‌طور اعم، نه‌تنها در دوران مشروطه، بلکه در دوران معاصر نیز در تمام ابعاد برای همه نخبگان جامعه ایران بویژه جریان روشنفکری به‌طور ریشه‌ای شناخته و شکافته نشده است و به‌نظر می‌رسد در اندیشه دینی سده اخیر هم کسانی که به تعارض بنیادین غرب با اسلام قائل بوده‌اند در این زمینه، امتیاز و ارزش‌های والاتری در بین علما داشته باشند و از این لحاظ می‌توان به نوعی ملاک عالی و عمیق در روحانیت شیعه و جریان روشنفکری رسید و این دو گرایش را با توجه به این ملاک باارزش سنجید. تاریخ تحولات فکری بعد از مشروطیت تا به امروز حاکی از آن است که بعد از انقلاب مشروطیت، به دنبال جنگ بین‌المللی اول، اولتیماتوم روس‌ها، قراردادهای استقلال‌شکنانه و نهضت‌های متفرقه و محلی در گوشه و کنار ایران علیه استعمار، شهادت شیخ فضل‌الله نوری در عصر مشروطیت و شهادت بسیاری از علما و رجال بزرگ در دوران پهلوی، استبداد روشنفکرانه و تجدد و توحش وحشیانه غرب در عصر پهلوی و نیز مسائل نهضت نفت و ۱۵ خرداد، نوعی بستر مناسب و عمیق را جهت شناخت استعمار غرب برای گرایش مذهبی فراهم کرده است. البته این شناخت هرچند، گاه به افراط و گاه به تفریط کشیده شده و زمانی به سیاست گریزی و زمانی به سیاست‌زدگی منجر شده است، در هر حال همه اینها در جریان و گرایش مذهبی با ظهور و طلوع امام خمینی(ره)، در بستری عمیق و گسترده افتاده و با امام خمینی(ره) تمام این زمینه‌ها به باروری و ثمر نشسته است.

ادامه دارد